

عنوان مقاله: بازشناخت نقش فرهنگ اسلامی ایرانی و مصالح بر معماری بومی (بررسی موردی: شهر یزد)

نویسندگان: سید محمد کاظمی (عضو هیات علمی دانشگاه علم و هنر یزد)
، مهدی حاتمی تاجیک (عضو هیات علمی

دانشگاه علم و هنر یزد)

Smkazemi59@gmail.com

M_hatami2002@yahoo.com

چکیده :

سیر تحولات تاریخی در معماری و شهرسازی ایران از قرون
متمادی تأثیر حوزه‌های فرهنگ، اجتماع و ... را در برپایی
آثاری فاخر نمایان ساخته است. فرهنگ در جامعه ایرانی-
اسلامی به شکلی منحصر بفرد و تا حدی بوم‌نگر نقش جامع‌تری
ایفا نموده است. همانگونه که میراث فرهنگی تبلوری از دانش
و بینش جامعه گذشته را با چنین بستری نشان می‌دهد.
بازشناخت بهره‌گیری از مصالح بومی در معماری و شهرسازی که
نقش تأثیرگذاری را در پایداری و ماندگاری ابنیه گذشته
داشته است در رهگذری فرهنگی برای نسل امروز لازم و ضروری
است تا آینده را بتوان با معرفت و درکی وسیع‌تر به پیش
برد.

مقاله حاضر، بدنبال ارتباط متقابل فرهنگ در جامعه و
کاربرد مصالحی پایدار در ساختمان سازی در گذشته است. روش
تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی
بوده که با رجوع به بافت و برخی ابنیه تاریخی شهر یزد به
عنوان الگویی پایدار در معماری و شهرسازی ایران اطلاعات
جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل می‌گردد.

نتیجه تحقیق مشخص می‌کند؛ در طول تاریخ فرهنگ و باورهای
چون: احترام به طبیعت، محرمیت، جلوگیری از اسراف و ...
نقشی تعیین کننده در انتخاب مصالحی پایدار داشته است.
همچنین با گذر زمان و نفوذ مصالح جدید، دگرگونی در فرهنگ
مردم ایجاد شده که در مواردی اندیشه‌هایی چون: تجملگرایی

در مقابل ساده زیستی، تغییر در نگرش به طبیعت، اسراف و یا صرفه‌جویی، خودکفایی یا وابستگی را در جامعه تغییر و ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مصالح پایدار، معماری بومی

مقدمه :

"فرهنگ را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از توان‌های گونه‌گون فرض کرد که بی‌انگیزه‌هایی ناموزونش کرده و نیز بدون تلاش درونی فهم نمی‌شود؛ فرهنگ به مثابه دریای به ظاهر آرامی است با درونی پرماجرا؛ محیطی که حین پرورش دادن و به تکامل بردن پدیده‌های درونی‌اش، به هر پژوهنده‌ای که قدرت تحمل بیشتری در غواصی دارد، داده‌هایی بیش‌عرضه می‌کند و او را نه تنها با شکل یافته‌ای که به آن دل بسته و دل باخته بلکه با ریشه‌های آن، با رابطه‌های آن با سایر پدیده‌ها و با شالوده زیست محیطی آن آشنا می‌سازد. در این ژرفا، مجموعه رویدادهایی که با ظاهری بی‌نظم رخ می‌کنند و بر یکدیگر اثرگذاری زاینده و گاه فرساینده دارند و در مکانی به ظاهر محدود جایگزین می‌شوند تا در حوزه و حیطه‌ای خاص به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پردازند و نیز نمی‌توانند در زمانهای گذشته و حال بی‌ریشه باشند، عامل زمان به وجودآورنده رابطه‌هایی پیچیده میان پدیده‌هایی است که مورد شناخت و پیگیری قرار می‌گیرند تا دستیابی درست به یافته‌هایی را میسر نمایند" (فلامکی، 1371: 141-140).

بازشناسی فرهنگ اسلامی و نقش آن در معماری و شهرسازی بومی که به نحوی در باورها و آداب و سنن دینی بسترسازی شده، قادر است در ابعاد فنی و نظری نیز در حوزه معماری پایدار تأثیرگذار بوده و برغنای فرهنگ اسلامی ایرانی بیفزاید.

همچنین شرایط جغرافیایی و اقلیمی نیز عمده‌تأ وجه غالبی بوده که معماران را بر آن داشته تا بدنبال راهکاری برای ایجاد شرایط زیست مناسب باشند و این تدبیر عالمانه با شناخت از فنون و تکنیک ساخت به منصف ظهور رسیده است.

"شهر یزد که در مرکز ایران واقع است، از منظر تاریخی و فرهنگی غالباً نقش مواصلاتی را میان عراق عجم با کرمان از یک سو و فارس با خراسان را از سوئی دیگر ایفا می‌نموده و از این رو به عنوان یک مرکز تجاری و شهری عمده در پهنه بیابان مرکزی ایران به شمار می‌آید"¹.

در همین رابطه بازشناخت مصالح بومی پایدار که نقش تعیین کننده در ایجاد ابنیه همساز با اقلیم داشته‌اند ضروری است. همچنین برخی باورهای فرهنگی که نقش اساسی در سبک زندگی اسلامی ایرانی در حوزه معماری و شهرسازی داشته‌اند در تمرکز بخشی به لایه های فرهنگی مؤثر خواهد بود.

سوال تحقیق: آیا فرهنگ جامعه در انتخاب مصالح متناسب و پایدار در معماری نقشی ایفا می‌کند؟ آیا مصالح ساختمانی می‌تواند بر فرهنگ یک جامعه تأثیرگذار باشد؟

روش تحقیق:

با استفاده از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و نیز تحقیق میدانی اطلاعات جمع‌آوری شده و در فرایندی خلاق تحلیل و بررسی خواهد شد. در این فرایند، برخی واژگان تأثیرگذار در حوزه فرهنگ و مصالح پایدار که نقش اساسی‌تری بر یکدیگر خواهند داشت انتخاب گردید که با تمرکز بخشیدن به لایه های فرهنگی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

1- اصطلاح شناسی فرهنگ در ادبیات و آیات قرآنی:

فرهنگ، راه و رسم زندگی یک جامعه در اصطلاح مردم شناسی؛ مرکب از پیشوند (فر)- به معنی جلو و پیش- و هنگ از ریشه تنگ اوستایی- به معنی کشیدن و تربیت نمودن که مطابق است با Education که در لاتین به معنی آموزش و پرورش کاربرد دارد و گاهی لفظ Culture به جای آن به کار می رود که معنی تمدن

1- گفته حافظ ابرو در سده نهم هجری به خوبی بیانگر این مطلب است: "چون یزد بندری است ممر کاروانهاست، آحادالناس و افرادالطوائف از اقتضای عالم در آنجا جمع بودند" (ابوئی مهریزی، محمد رضا، تاریخ فرهنگی یزد، انتشارات افشار 1391: 54-55).

دارد؛ و در اصطلاح سرزمینی که در داخل آن بتوان بعضی از خصوصیات یک فرهنگ را یافت، پهنه فرهنگی Culture area خوانده می‌شود. استعمال انگلیسی معادل فرهنگ در اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط سر ا.ب. تایلر برقرار شد. مفهوم فرهنگ چندان سودمند بوده است که آن را در علوم دیگر استعمال می‌کنند.

هر جامعه‌ای برای خود الگوی خاصی از کلیات فرهنگی دارد، که سازمانهای ضروری بشری مانند سازمانهای اجتماعی، دینی، اقتصادی و نیز حوزه معماری را شامل می‌شود. معادل قدیمی لفظ فرهنگ در ادبیات عرب، لفظ (دأب) به معنی عادت و روش پایدار بوده، که چهار مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است². اما در عربی معاصر، لفظ (ثقافه) معادل امروزی فرهنگ به شمار می‌رود، که در اصل به معنای روشنفکر یا فرهنگی، (مثقّف، به معنی تحصیلکرده و پرورش یافته) اطلاق می‌شود. (صدر حاج سید جوادی و همکاران، 1386: 303).

لفظ فرهنگ در اشعار کهن پارسی نیز زیاد به کار رفته است از آن جمله:

تو دادی مرا فر و فرهنگ و رای تو باشی به هر نیک و
بد رهنمای (فردوسی)

قرآن کریم از طریق آیات متعددی اشاراتی به آداب و رسوم و فرهنگ اسلامی اصیل دارد. که از بهترین نمونه‌ها در این رابطه وصایای لقمان (ع) به پسرش می‌باشد.

برخی از حوزه های فرهنگ از دید قرآن که لازمه بکارگیری در معماری و شهرسازی اسلامی می باشد.	شاهد قرآنی
ترویج میانه روی و آرامش در جامعه	واقصد فی مشیتک... (لقمان، 19) در رفتار میانه رو باش

2- از جمله در آیه: مثل دأب قوم نوح و عاد و ثمود والذین من بعدهم... (همانند فرهنگ همیشگی قوم نوح و عاد و آنانکه پیش از آنان خواهند آمد (غافر، 31)).

والذین اذا انفقوا لم يسرفوا و لم يقتروا و كان بين ذلك قواما (فرقان، 67) و آنان که چون خرج کنند، اسراف نمی- کنند، و بخل هم نمی ورنند؛ بلکه میان این دو راه اعتدال را گیرند.	اجتناب از بخل و اسراف
ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون (انفال، 22) به درستیکه بدترین جنبندگان نزد خداوند، کسانی هستند که از گفتن و شنیدن حقایق کر و لال هستند؛ آنانکه تعقل و اندیشه نمی کنند. و یا در اصطلاح معماری پرهیز از بیهودگی	ترک کارهای غیر عقلانی

2- نقش فرهنگ بومی، مصالح پایدار

در قرون متمادی و نیز دنیای مدرنیته که سبکها و ایسمهای متفاوت فضای فکری و آهنگ فرهنگی جوامع را نوازش می‌دهد طراح، با آرایش و مصالحی خاص سعی در جلوه‌گری فضا بر مخاطب دارد که گهگاه کثرتها (در ابزار، تجهیزات و مصالح) بر وحدت اجزاء و فضا غلبه می‌یابد. این در حالی است که در گذشته چنین اندیشه‌ای حاکم نبوده است. در بررسی بافت تاریخی و نیز الگوهای محیطی پایدار در آن، نظام شکلیافته بر اندامهای فضایی در کنار ساختمایه بنا یکدست و همساز با دیگر بخشهای بنا ایجاد شده و حاکم بوده است.

برای مثال: عامل فرهنگی و اعتقاد به تکریم مهمان و جدایی حریمها، بر کارکرد اتاقها به عنوان اتاقهای خصوصی و پذیرائی تأثیر می‌گذارد. تکریم مهمان باعث شده تا ایرانیان اتاقی بزرگ با اثاثیه خاص مانند فرش، پستی و آرایه‌های مختلف بر دیوارها مانند تاقچه، آینه‌کاری، گره‌چینی را به پذیرایی از مهمان اختصاص دهند. جای این اتاق بسته به توان

صاحبخانه تغییر می‌کرده است. در خانه‌های کوچک این اتاق نزدیک راهروی ورودی بوده و در خانه‌های بزرگ اتاقهای بیرونی به مهمان اختصاص داشته است (حداد عادل: 1390، 17).

عقاید و باورهای دینی سازندگان و بانیان بناها که جزء فرهنگ عامه مردم محسوب می‌گردد در نحوه سازماندهی و آرایش فضاهای معماری بسیار مؤثر بوده است. بر این اساس یکی از اصول و معیارهای فرهنگی در ساخت بناها اصل درونگرایی است که با استفاده از روشهای جالبی به جدایی فضاهای اندرونی (خصوصی) و بیرونی (غیر خصوصی) پرداخته شده است.

به گفته ریپورت روشهای ساختمان، ساختمایه‌ها و عوامل اقلیمی، عوامل اولیه نیستند و شکل (بناها) متأثر از درک انسانها از جهان، حیات، فرهنگ، باورهای مذهبی و شیوه ارتباطهای اجتماعی آنان است (ایماس ریپورت، 1382)

در ساخت (ابنیه)، حیاط نقش اساسی در ساماندهی فضاها داشته، که علاوه بر وجوه معماری و کارکردهای فیزیکی، نقش سازماندهی فرهنگی به اجزای شکل دهنده بنا را نیز ایفا نموده است. حیاطها به اندرونی و بیرونی تقسیم شده است و به نحوی حریم با جانمایی فضا در بنا شکل می‌یافته. خانه‌های یک حیاطه نوع رایج، در یزد بوده و نوع دو حیاطه (اندورنی و بیرونی) نیز تقریباً متداول بوده است. نارنجستان، حیاط کوچک دیگری است که در تعدادی از خانه‌ها مشاهده شده است (همان: 286).

معمار با بهره‌گیری از آنچه در فضای پیرامون بنا وجود دارد، فضا را شکل می‌دهد، بنابراین بین محیط مصنوع و محیط طبیعی رابطه‌ای به وجود می‌آید. آنچه در معماری ایرانی به "بوم آورد" معروف است معلول این پیوند است (پیرنیا، 1380: 31). در محیطهای طبیعی که یکدستی خاصی در عناصر آن وجود دارد نوعی یکدستی در کاربرد ساخت مایه‌های خاص نیز دیده می‌شود. همانگونه که در مناطق خشک، خاک ساخت مایه اصلی محسوب می‌شود. در چنین اقلیمی که غلبه شرایط سخت محیطی و چیره دستی معمار در کنار یکدیگر قادر است همسازی و درهم تنیدگی

معماری و شهرسازی را شکل دهد، گسترش و آبادانی به مدد خلاقیت، تکنیک و فن معماران به منصفه ظهور می‌رسد. ساختمانهایی با حیاط مرکزی شکل می‌گیرد و بخشهایی از آن به زیر زمین اختصاص می‌یابد. زیرزمین یا در دل زمین کنده می‌شود و با پوششی از طاق³، فضا ایجاد می‌گردد و یا اینکه با کسر نمودن زمین حیاطی در سطح و لایه پایین شکل می‌گیرد که به گودال باغچه معروف است.⁴ چنین نقش فرهنگی بهره‌گیری و بهره برداری در رابطه با ماده و مصالح در عمیقترین لایه‌های معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی بچشم می‌آید که این درهم تنیدگی را به موازات یکدیگر به پیش برده است.

بافت شهر یزد به طور کلی ترکیبی است از: بافت مسکونی، بافت ویژه (فرهنگی، تجاری) یا بازار، بناهای اطراف، ارگ شهر و مسیرهای ارتباط دهنده که تمامی این عناصر به وسیله باروی شهر محصور می‌شده است (معماریان، 1375: 248). در یزد و اطراف آن هر چه ساخته شده از گل و مشتقات آن است. معمار به چیز دیگری خارج از این مقوله نمی‌تواند بیاندیشد و نمی‌تواند از مصالحی دیگر یاری گیرد، زیرا او می‌داند که هیچ



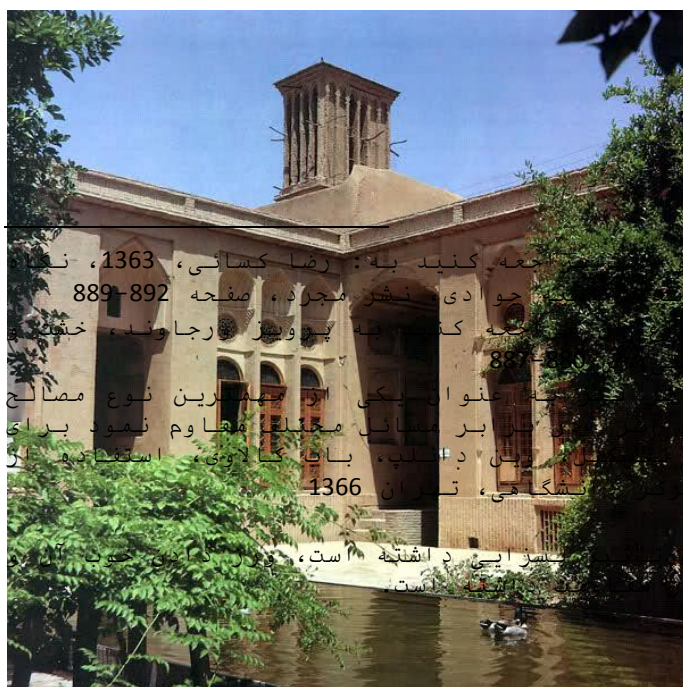
ماده دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد حتی اگر سنگ یا چوب در نزدیکی او باشد⁵. در این منطقه زندگی با خاک و گل عجین شده است (همان، 240 و 241).

3- کاربرد تاقها به فرهنگ معماری محلی بستگی دارد. به نحوی که در زیر زمین معمولاً از طاق آهنگ استفاده می‌کنند. در طبقه همکف انواع تاقها مانند آهنگ، گزاوه و تا حدی کلنبو به کار می‌بردند. برای دهانه‌های بزرگ تالارها، صفه‌ها و اتاقهای ارسی بزرگ از تاق آهنگ که اجرای ساده‌تری دارد بهره می‌گیرند (معماریان، 1386: 184 برگرفته از دانشنامه جهان اسلام ص14 جلد 15).

5- در غرب یزد ارتفاعات شیرکوه کشیده شده است. در دامنه بعضی از دره های این کوه آبادیهای سرسبزی وجود دارد. اما با وجود چوب در این نقاط، به دلیل ترده خیز (موریانه) بودن محل از چوب استفاده نشده است. در خیلی از نقاط یزد سنگ نیز یافت می‌شود. ولی به دلیل عدم تطابق آن با آب و هوای یزد در ساخت بناها کمتر به کار رفته است.

کاربرد مصالح گلی در مناطق کویری و بخصوص یزد دلایل اقلیمی، کاربردی و فنی داشته است⁶. در این منطقه هیچ نوع مصالح دیگری در زیر اشعه سوزان آفتاب و در گرمای تیر و مرداد ماه به خوبی خشت خام و گل در برابر گرما مقاوم نیست. در فصل سرما نیز با اندک حرارت، اتاقها گرم میشوند. سهولت در کاربرد آن نیز در به کارگیری این مصالح مهم بوده است. از بعد فنی نیز خشت خام همراه با ملات گل مقاوم در می-آید. آجر در برابر گرمای شدید و تابش آفتاب عایق خوبی نیست و کاربرد آن با ملتهایی از قبیل گچ و خاک به دلیل تجزیه ملات در برابر گرما و تابش تصویر شماره 1- سادگی در ساخت بنا آفتاب میسر نبوده است. در هر حال با کاربرد مصالح بومی (منبع: خشت خام از مصالح اصلی بوده و از دیگر مصالح مثل آجر بندرت و در محلهایی مانند ازاره، شرفی (قسمت رخبام) و قسمتی از بدنه بادگیرها استفاده شده است⁷ (همان: 270).

خشتهای خام در قطع $20 \times 20 \times 4$ و $25 \times 25 \times 5$ و $37 \times 37 \times 6-7$ سانتیمتر بوده اند⁸. ملات اصلی برای خشتهای خام ملات گل بوده که در صورت نیاز کمی آهک به آن می افزودند و برای آجرها از ملات قیر چارو⁹ استفاده می شده است. خشت به وسیله مصالح گلی دیگر اندود می شده و متداولترین آنها، کاه گل¹⁰ یا کاه گل ارزه¹¹ و از همه زیباتر سیمگل بوده است (همان: 270-271).



- 6- برای مطالعه بیشتر درباره نقش گل به بناهای خشتی، معماری ایران، گردآورنده: سید علی حسینی، تهران: نشر معمار، صفحه 889-892
- 7- درباره ویژگیهای خشتهای خام و نقش عامل پوشش اندود در حفظ بناهای خشتی، سید علی حسینی، تهران: نشر معمار، صفحه 889-892
- 8- استفاده از مصالح گلین در حال حاضر با استفاده از فنون مختلف می تواند باشد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: لایل و خاکی، ترجمه حسین تابش، تهران: نشر آرمین، 1366
- 9- ترکیبی از گچ+خاک رس+شکرسنگ
- 10- روش ساخت کاه گل در مقاوم بودن آجرها
- 11- ارزه یا ریگ روان+کاه گل

مصالح مختلف ساختمانی که در بالا نیز بدان اشاراتی شد از نظر عایق حرارتی بودن، میزان جذب و انتقال حرارت شرایط متفاوتی دارند. این ویژگی ارتباط مستقیمی با تراکم ذرات ماده‌ای و جرم ماده دارد یعنی هر قدر که تراکم ذرات ماده‌ای فشرده‌تر و جرم آن بیشتر باشد، آن ماده دارای قدرت نگهداری و انتقال گرمای بیشتری خواهد بود. بدین ترتیب برای مناطق گرمسیری سنگ در مقایسه با آجر مصالح نامناسبتری است و یا خشت و چینه گلی با تراکم نسبی کمتر، از هر دوی آنها مناسب‌تر هستند. (زرگر، 1384: 78). با شناخت شرایطی پایدار، معماری ایجاد شده با مصالح متناسب با بوم، ماندگاری اثر را افزون خواهد کرد.

فرهنگ و سنتها و آداب سنن مردم در رابطه‌ای مستقیم با طبیعت و شرایط حاکم بر جغرافیا و اقلیم منطقه قرار گرفته و تأثیرگذار می‌باشد. در مقایسه-

ای نسبی از شرایط اقلیمی منطقه تصویر شماره 2- خانه لاریها- یزد
(منبع: www.yazdfarda.com)
چنین فرضیه‌ای را می‌توان متصور

شد که شرایط اقلیمی در رابطه مستقیم با فرهنگ قرار می‌گیرد، به نحوی که جوهره مردم در مناطق کویری به مانند مصالح بوم-آورد و بکار رفته در بناها (که با توجه به شناخت دقیق از ویژگی و قابلیت مصالح صورت می‌گیرد و سپس در چرخه تولید و بعد استفاده قرار می‌گیرد) با روحیات و ویژگی ذاتی مردم عجین شده و به نحوی شرایط فیزیکی آن ماده در وجوه متفاوتی از رفتار مردم رسوخ و متبلور می‌شود. همانگونه که تراکم ذرات ماده و مصالح هر چقدر بیشتر باشد قدرت و توان بیشتری در مقابل شرایط سخت اقلیمی پیدا می‌کند به همان میزان شرایط سخت اقلیمی خلق و خو و رفتار مردم را در برخورد با پدیده‌های پیرامون سنگین‌تر و کاراتر نموده و فرهنگی متناسب با شرایط طبیعی ماده را شکل می‌دهد. در مصداقی عینی می‌توان در بافت شهر، تراکم فضاها و اجزاء شکل دهنده معماری و... که با رفتار، روحیات و فرهنگ مردم عجین و یکپارچه شده و هویتی واحد را شکل داده است ملاحظه نمود. صرفه جویی، سخت-کوشی، درون‌گرایی، قناعت و... نقش فرهنگ را در رابطه با

پدیده‌های بیرونی و به طور خاص تأثیر مصالح پایدار نشان می‌دهد.

3- تأثیر فرهنگ بر مصالح پایدار:

همانگونه که در بخشهای قبل نیز اشاره شد؛ فرهنگ بومی، سنتها و آداب و رسوم اسلامی ایرانی، نقش تأثرگذاری را در حوزه شهرسازی و معماری ایفا نموده به نحوی که جلوه آن در بافت تاریخی و آثار بجای مانده از میراث فرهنگی نمایان است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

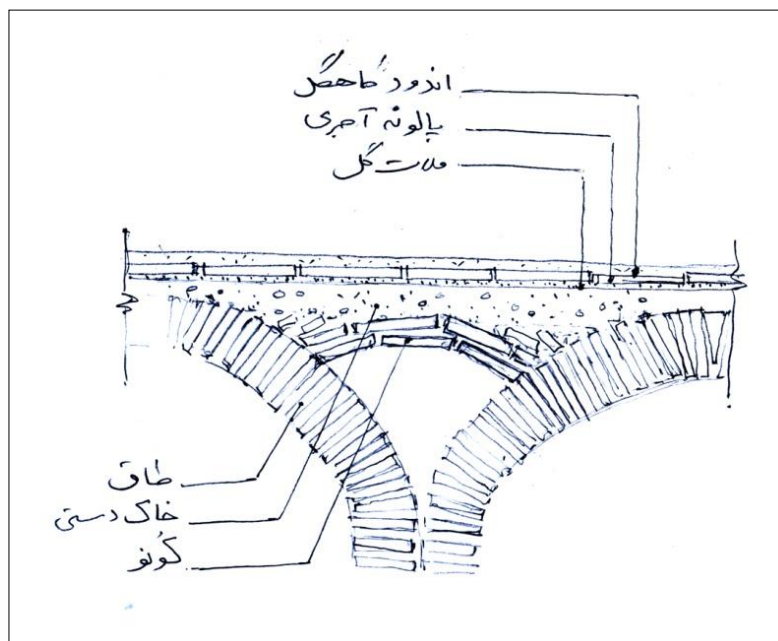
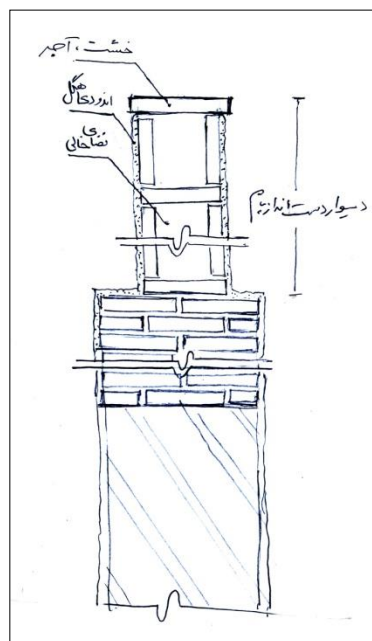
1-3- صرفه جویی :

از قدیم مردم یزد به مردمی صرفه جو و معتقد به این مهم مشهور بوده‌اند. چنین نگرشی تأثیرش را بر روی انتخاب و استفاده از مصالح نیز گذاشته است.

در گذشته برای ساخت خانه‌ها، از خاک گودبرداری شده زمین و یا زیرزمین در جهت بهره‌گیری از تولید مصالح بومی استفاده نموده‌اند. فرایند بهره برداری از خاک تا تهیه خشت و استفاده آن در ساخت بناها بشکلی کاملاً بومی انجام شده است. خشت علاوه بر صرفه اقتصادی و نیز کارآمد بودن با شرایط اقلیمی و طبیعت سرزمینی منطقه نیز همساز بوده است.

با اینکه انواع سنگهای ساختمان امروزه معادن آن در یزد وجود دارد و استهصال می‌شود. اما مصالح بومی دیگر مانند خشت پخته یا آجر در اطراف یزد فرایند تولید و بهره برداری از آن فراهم بوده است.

از بعد فنی و تکنیک‌های مورد استفاده در ساخت، انواع روش‌های اجرایی است که در ساخت ابنیه و بافت تاریخی متداول بوده است. به عنوان نمونه؛ ایجاد پوشش‌های دو پوسته و استفاده از عنصری به نام "کُنو" می‌باشد. این عنصر از تیغه‌های آجری عمودی با پوششی از یک یا چند آجر به دست می‌آید. کنو باعث می‌شود تا افزون بر ایجاد پوششی سبک در استفاده از مصالح، صرفه جویی شده همچنین عایقی را بین بام و پوشش سقف به وجود می‌آورد. "صندوقه" کردن دیوارهای دست انداز بام نیز روشی هوشمندانه در صرفه جویی از کاربرد مصالح پایدار محسوب شده که این عامل علاوه بر این در سبک



کردن بار وارده بر ساختمان از بعد فنی تأثیر داشته است. نقش حائل و نیز مانعی در ایجاد محرمیت در بنا و عدم اشرافیت دید از ویژگی‌هایی است که بار فرهنگی آن در درونگرا نمودن ساختمان از بناهای همجوار را صورت داده است.

تصویر شماره 3- جزئیات کنو (منبع):	تصویر شماره 4- دیوار صندوقه (منبع):
نگارنده)	

همچنین برای نازک کاری خانه از ترکیب کاه و گل، مصالحی چون کاه گل و سیم گل بدست آمده که در عین ارزان بودن و در دسترس بودن، زندگی در تابستانهای گرم و زمستان های سرد کویر مرکزی ایران را سهل و هموارتر ساخته است.

2-3- سختکوشی :

یکی دیگر از بارزترین ویژگیهای مردم یزد سختکوشی آنها می باشد. تأثیر این ویژگی بر مصالح، در تهیه خشت از خاک محل ساخت (خشت مالی) و مشارکت یدی در ساخت ابنیه مشهود است.



تصویر شماره 6- تلاش برای آبادانی در استهصال آب از کویر

تصویر شماره 5- تنوع نقوش در خانه کلاحدوزها (منبع:

www.yazdfarda.com)

از دیگر آثار سختکوشی بر مصالح قدیم، ساختن نقوش پیچیده چوب دربهای ارسی، تزئینات گچ بری و نقوش گچی، ساخت مصالح ترکیبی چون ساروج، کاه گل و ... می باشد.

3-3- ساده زیستی و قناعت :

مردم یزد مردمی قانع و ساده زیست بوده اند. این فرهنگ خود مزید بر علت شده تا مصالح عمده استفاده شده در ساخت شهرها خاک باشد و مردم این دیار



تصاویر شماره 7- سادگی در ساخت و ساده زیستی در فضا بدون بهره گیری از تزئینات در بنا

را در اصطلاح فرهنگ عامیانه "خاکی" کند. تزئینات با استفاده از مصالح ارزان‌تر و ساده‌تر مثل گچ و خاک و در برخی موارد از چوب بوده و از تزئینات سنگی در معماری یزد، بدلیل عدم همسازی با اقلیم کمتر استفاده شده است.

شهر یزد به علت خشکی هوا و بخل آسمان، همواره از حیث کمی آب با سختی روبرو بوده است؛ اما فرهنگ پایداری و قناعت در لایه های زندگی اجتماعی مردم نشان از دلاوری و پشتکار دارد. جلوه این توانمندی در ایجاد باغ و شهر در بیابانهای ریگزار مشهود می باشد. "همواره جوهره ذوق و نیروی حیات مردم با شرایط اقلیم و طبیعت سخت دست و پنجه نرم کرده تا بدان که رشیدالدین فضل الله همدانی برای آبادان کردن مزارع ربع رشیدی سیصد تن از هنرمندان و برزیگران را از یزد به تبریز برد و این واقعه ای بود که ذکرش در تواریخ و روزگار مهم دانسته شده است" (افشار، 1377: 32).

4- تأثیر مصالح بر فرهنگ در معماری :

رابطه متقابل فرهنگ و مصالح بر یکدیگر و همساز شدن کارکرد مبانی نظری با تکنیک و فن ساختمان شاخه های شکل گرفته از چنین اندیشه و بینشی را در پیش روی محققین قرار داده است که به برخی از آنها اشاره می گردد.

4-1- تجمل گرایی :

با گسترش تجارت و حمل و نقل و با بهبود وضع اقتصادی، مصالح غیربوم آورد وارد چرخه تولید و بهره گیری در ساخت و ساز شد. این مصالح بسیار متنوع بوده و در عین حال مردم را جذب کرده و فرهنگ وارداتی، جامعه را مجاب ساخت با وجود قیمت بالا از آن استفاده کنند. این موضوع باعث رواج فرهنگ عدم قناعت، گرایش به تجمل گرایی و در پی آن به اصطلاح "چشم و هم چشمی" در جامعه شد و آن را ترویج نمود.

تا زمانی که مصالح جدید نبود و مصالح سنتی وجود داشت، جامعه کمتر می توانست با این مصالح ساده، به تجمل گرایی

افراطی رو آورد، مگر افراد متمول که با بکارگیری از آن در تزئینات و نیز تنوع بخشی بر روی این مصالح و استفاده آن در بخش وسیعی از ابنیه و بخصوص خانه‌ها، این امر را مقدور نمودند.



تصویر شماره 8- عدم همسازی با محیط و بافت، مجتمع تجاری تفریحی ستاره - یزد (منبع: نگارنده)

ولی باحضور گسترده مصالح جدید طبیعی مثل انواع سنگها، مصالح استخراجی مثل آهن و آلومینیوم و مصالح مصنوعی مثل انواع پلیمرها و سیمان، عرصه برای بکارگیری و در اصطلاح "تاخت و تاز" فرهنگ تجملگرایی محیا و فراهم گردید.

2-4- اسراف :

تنوع و افزایش مصالح در بازار و نحوه استفاده از آنها که لازمه مهارت و تخصص بود تا حدودی موجب دور ریز شدن بخشی از آنها شد و در نتیجه عاملی شد تا فرهنگ اسراف رواج یابد. همچنین در پی ترویج تجملگرایی، استفاده از تنوع بخشی در مصالح و بکارگیری آن در ساختمان‌سازی بدون رعایت کاربردی بودن آن (عمکرد فضا، شرایط اقلیمی، بعد اقتصادی و ...) باعث تشدید فرهنگ اسراف در بهره‌گیری از مصالح و دوری از صرفه جویی و قناعت شد.

3-4- عدم احترام به طبیعت :

وجود مصالح مصنوعی در بازار چون؛ پلیمرها و پلاستیکها که بازیافت پذیر نیستند و به دنبال آن استفاده از این مصالح در صنایع و ساختمان سازی، فرهنگ تولید زباله تجدیدناپذیر را رواج داده و در نتیجه عدم پایداری در طبیعت را به همراه آورده است.

در ده های گذشته طراحی و تولید ساختمان های پایدار و همساز با طبیعت در مدارس معماری مرسوم شده است. و دنبال راهکارهایی بوده که کمترین ناسازگاری و مغایرت با طبیعت پیرامون خود و در پهنه وسیع تر با منطقه و جهان دارد. استفاده معقول از منابع طبیعی و اصول اکولوژیکی و مدیریت مناسب ساختمان سازی به حفظ منابع طبیعی محدود و کاهش مصرف انرژی کمک نموده و باعث بهبود کیفیت محیطی می شود، که از اهداف کلی ساختمانهای پایدار می توان: بهره برداری مناسب از منابع و انرژی، جلوگیری از آلودگی هوا و مطابقت با محیط را اشاره نمود (صیادی، 1390: 121).

4-4- راحت طلبی :

با ظهور انقلاب صنعتی و پدیده مدرنیسم، که فرهنگ جوامع مختلف را به سمت فرهنگ و سنن واحد با رفتاری مشخص هدایت نمود، مصالح جدید با تکنولوژی که در انحصار تولیدکننده بود در اختیار جوامع قرار گرفت. استفاده از تکنولوژی های پیشرفته و راحت سازی استفاده از مصالح، دیگر ضرورتی به سختکوشی در ساخت و ساز نبود، همچنین گسترش انواع تخصص های اجرایی صنعت ساختمان سازی به عدم مشارکت یک متخصص در ساخت خانه خودش دامن زد و فعالیت یدی فرد را در ساخت خانه بومی کم نمود و عاملی در رشد فرهنگ راحت طلبی را فراهم نمود.

4-5- عدم احترام به حریم خصوصی:

با رواج مصالح جدید در قرن جدید و صنعتی سازی، افزایش شیشه در بازار به عنوان مصالحی جدید و پایین آمدن قیمت

آن، مردم را به استفاده بیشتر از آن ترغیب نمود که خود باعث شد مثل گذشته فرهنگ درون گرایی حاکم نباشد و شفافیت، جای محصوریت دید را بگیرد و محرمیت گذشته در سبک و شیوه معماری و شهرسازی از بین برود.

بکارگیری و استفاده از مصالحی چون؛ بتن و آهن باعث تحول و تغییر در تکنیکهای ساخت شد. تأثیر چنین تغییری در شهرسازی و معماری با دگرگونی در اجزاء شکل دهنده بناها مشهود بود. المانهای عمودی ابنیه (دیوارها) با سطح مقطع بالا به دیوارهای نازک با سطح مقطع کم تغییر یافت. این عامل باعث کوتاهتر شدن دیوارها نیز شد و در پی آن عایق صوتی کم و در نتیجه حریم گفتاری که از شاخصه‌های فرهنگ اسلامی و دینی در بناها محسوب می‌شد دچار خدشه گردید. همچنین تبعات ناشی از چنین سبک و سیاق وارداتی، احساس عدم محصوریت کم رنگتر شده و به نحوی محرمیت فضاها کمتر القاء گردید.

نتیجه گیری:

- تمرکز بخشی در مواد و مصالح که ساختمایه بومی را در خود نهفته دارد به واسطه عمق بخشی به لایه‌های فرهنگی- تاریخی که قادر است تأثیرگذاری در پایداری بنا و بافت تاریخی را نیز به همراه داشته باشد، ماندگاری و جاودانگی را در پی خواهد داشت. چنین ساختارهایی که با بستر فرهنگی شکل گرفته، پایداری تمدنی را تقویت خواهد کرد.

- تنوع در مصالح جدید امکانی برای طراحان و سازندگان بناها در معماری و شهرسازی فراهم نموده که در صورت شناخت از فیزیک ماده، همچنین آشنایی با بستر طرح، شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه، نیروی بومی ماهر و نیز عوامل دخیل دیگر، قادر است علاوه بر تنظیم شرایط آسایش فیزیکی، روح و روان مخاطب را نیز در شرایط مناسب قرار دهد.

- فرهنگ اسلامی ایرانی از مبانی مستحکمی برخوردار است به نحوی که پایه‌های آن علاوه بر اصول عقاید بر اخلاق مداری نیز گذاشته شده است. تجلی فرهنگهایی چون فرهنگ مصرف بهینه و جلوگیری از اسراف، فرهنگ قناعت و استفاده صحیح از پدیده-

های مادی، فرهنگ بهره‌گیری درست از عالم هستی و طبیعت- به نحوی که در سیر تکامل انسان قرار گیرد- در عرصه معماری ، راه را برای پایداری معماری هموار نموده است.

- با مطالعه و انجام طرحهای تحقیقاتی و پژوهشی و نیز انجام فعالیت‌هایی در سطح آزمایشگاهی بر روی مصالح بومی و بالاجهت خاک که می‌تواند با ترکیبهای نوین همراه باشد، راه برای تولید مصالحی پایدار، مناسب و همساز با اقلیم فراهم خواهد آمد.

- در گذشته رابطه مصالح و فرهنگ بر معماری پایدار مشهود و تأثیر مستقیم داشته است. در حالی که تأثیر مصالح و فرهنگ در جوامع امروزی، کمتر و مادی‌گرایی در معماری را تشدید کرده است. به طوری که می‌توان گفت در معماری گذشته بهره‌گیری از مصالح با فرهنگ، پایدار و همسو بوده ولی امروزه در تقابل قرار گرفته است.

منابع و مأخذ:

- 1- قرآن کریم
- 2- ابوئی مهریزی، محمد رضا (1391)، تاریخ فرهنگی یزد، انتشارات افشار، تهران
- 3- افشار، ایرج (1377)، فرهنگ یزد، انتشارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد.
- 4- ایماس رپوپورت (1382)، خاستگاه های فرهنگی معماری، ترجمه: صدف آل رسول و افرا بانک، خیال، شماره 8
- 5- پیرنیا، محمدکریم (1380)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، انتشارت دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
- 6- زرگر، اکبر (1384)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران

- 7- حداد عادل، غلامعلی (1390)، دانشنامه جهان اسلام، جلد 15، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران
- 8- صدرحاج سید جوادی و همکاران (1386)، دایره المعارف تشیع، جلد دوازدهم، نشر: شهید سعید محبی، تهران
- 9- صیادی، سید احسان و همکاران (1390)، معماری پایدار، ناشر: لوتس، تهران
- 10- فلامکی، محمد منصور (1371)، شکلگیری معماری در تجارب ایران و غرب، انتشارات نشر فضا، تهران
- 11- کسائی، رضا (1363)، نگاه به بناهای خشتی، معماری ایران، گردآورنده: آسیه جوادی، نشر مجرد
- 12- معماریان، غلامحسین (1386)، دانشنامه جهان اسلام (ذیل توضیحات خانه)، جلد 15، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران
- 13- معماریان، غلامحسین (1375)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه شناسی درونگرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران